

نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال بیست و سوم، شماره ۷۱، زمستان ۱۴۰۲

مدل سازی رویکرد توسعه اجتماع محوری در برنامه ریزی توسعه محله ای با روش معادلات ساختاری (مطالعه موردی: محله گلکاران شهر ابرکوه)

دریافت مقاله: ۹۹/۱/۱۰ پذیرش نهایی: ۹۹/۶/۲۴

صفحات: ۳۵۷-۳۷۲

حسن، کبوری^{*}: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران^۱

Email: kabouri.hasan@yahoo.com

سید علی، المدرسی: دانشیار دانشکده علوم انسانی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

Email: almodaresi@yahoo.com

محمد حسین، رامشت: استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

Email: mh.raamesht@gmail.com

محمد مهدی، کریم نژاد: استادیار دانشکده هنر و معماری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

Email: mm.karimnejad@gmail.com

ملیحه، ذاکریان: استادیار دانشکده علوم انسانی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران

Email: malihezakerian@yahoo.com

چکیده

هدف تحقیق حاضر مدل سازی رویکرد توسعه اجتماع محورد در برنامه ریزی توسعه محله ای با روش معادلات ساختاری بوده است. روش پژوهش تحلیلی -توصیفی با هدف کاربردی است و رویکرد حاکم بر فضای پژوهش به لحاظ روش شناختی رویکرد کمی می باشد. برای گردآوری اطلاعات در ارتباط با موضوع مطالعه از دو روش کتابخانه ای و پیمایشی استفاده شده است. جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق کلیه افراد بالای ۱۸ سال در محله مورد مطالعه شهر ابرکوه (گلکاران) می باشد. با استفاده از ابزار پرسشنامه که مطابق طیف لیکرت تنظیم شد اقدام به جمع آوری داده گردید و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ که هم شامل ضریب کل و همچنین ضریب بخشهای مختلف در ابعاد پرسشنامه می شود تعیین و همچنین برای تعیین روایی پرسشنامه از نظرات کارشناسان و صاحب نظران حوزه برنامه ریزی شهری سود برده شد. در بخش تحلیل داده ها از دو سطح آمار توصیفی میانگین و انحراف معیار و آمار استنباطی جهت سنجش و ارزیابی میزان مؤلفه های مؤثر بر رویکرد توسعه اجتماع محور و همچنین تدوین یک مدل عملیاتی در محله مورد مطالعه از مدل معادلات ساختاری در محیط نرم افزاری pls استفاده شد. این مدل روابط متقابل و برهم کنش متغیرها و میزان اثرگذاری و اثرپذیری از یکدیگر را مورد بررسی قرار می دهد. نتایج حاصل از تحلیل داده ها با استفاده از مدل معادلات ساختاری گویای آن است که داشتن رویکرد اجتماع محوری در توسعه محله ای دارای اثری مستقیم و معنادار در ارتقاء توسعه محله مورد مطالعه می باشد.

کلیدواژگان: توسعه اجتماع محوری، مشارکت، توانمندسازی، ظرفیت سازی

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، شماره تلفن: ۰۹۱۷۷۱۷۳۶۵۸

مقدمه

امروزه بیش از نیمی از جمعیت جهان ۵۴٪ در شهرها زندگی می کنند و تا سال ۲۰۵۰ این میزان به ۶۰٪ خواهد رسید (یو ان هبیتات^۲، ۲۰۱۶). همچنین طبق برآورد سازمان ملل متحد ۸۰٪ رشد شهری در طول دو دهه آینده در شهرهای آسیایی و آفریقایی اتفاق خواهد افتاد (سازمان توسعه ایالات متحده^۳، ۲۰۱۸: ۲۳). همانطور که شهرها در کشورهای توسعه یافته بسرعت در حال رشد می باشند و به نیازهای مدیریتی خود توجه دارند، کشورهای در حال توسعه با پیامدهای شهرنشینی که شامل افزایش تقاضا برای خدمات اساسی است مواجه هستند. بررسی تاریخ تحولات نظریات برنامه ریزی نشان می دهد که از اواخر دهه ۱۹۷۰ به بعد، به جهت پیچیدگی های موجود در سیستم های شهری و چالش هایی که شهرها با آن روبرو هستند چرخشی آشکار به سوی رویکردهایی از پایین به بالا و اجتماع محور دیده می شود. در شهر ابرکوه با توجه به قدمت تاریخی آن، محلات دارای جایگاه ویژه ای در برنامه ریزی های فضایی هستند که می بایست از سرمایه ها و ظرفیت های بالقوه ساکنان و اجتماع محلی در جهت افزایش سطح کیفیت زندگی بهترین بهره را برد. در این شهر قدیمی محلات به عنوان سلولهای حیاتی شهر و به عنوان واحد فضایی تأثیر گذار و مهم، نقشی مهم در توسعه و زیست پذیر نمودن شهر داشته و می توان تعاملات اجتماعی را در آن برقرار نمود و زمینه های شکل گیری و استفاده حداکثری از توانها و ظرفیتهای اجتماع محلی را فراهم کرد. چرا که کیفیت ساختار کارکردی هر شهر بیش از هر چیز به میزان انطباق سازمان کالبدی آن با سازمان اجتماعی شهر مربوط می شود و انطباق این دو باعث افزایش کیفیت زندگی در محیط های سکونتی می گردد (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۳). طبق بررسی های میدانی، ساکنین محله گلکاران از وضعیت موجود در در محله خود از جهت شاخص های توسعه شهری رضایت نداشته و این محله با مشکلات اجتماعی، اقتصادی و کالبدی متعددی روبرو است. بنابراین بنظر می رسد که توجه به دارایی ها و پتانسیل های موجود در محله گلکاران و همچنین توجه به مؤلفه های رویکرد اجتماع محوری می تواند سبب افزایش کیفیت زندگی و رضایت مندی ساکنین محله گردد. از این رو هدف این پژوهش بررسی و شناسایی وضعیت اجتماع محوری از دو جنبه هدف محوری و فرایند محوری و سنجش و ارزیابی ارتباط متقابل بین فرایند محور بودن توسعه اجتماع مبنا (مشارکت شهروندان) و هدف محور بودن آن (ظرفیت سازی و توانمند سازی شهروندان) در مقیاس محله ای در جهت ارتقاء کیفیت زندگی و زیست پذیری در شهر ابرکوه می باشد. برای دستیابی به این هدف ابتدا با تدقیق در ادبیات موضوع و روش تحلیل محتوا مؤلفه های اصلی این رویکرد از دو جنبه مذکور تعریف گردید و در قالب مدل نظری آورده شد تا جهت بررسی و آزمایش آن با روش مدل سازی معادلات ساختاری نحوه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری هر یک از مؤلفه های رویکرد توسعه اجتماع مبنا در یک سازوکار تعاملی به نمایش درآید. در راستای این اهداف، به پرسش های اساسی این مقاله پاسخ می دهیم: ۱- وضعیت الگوواره توسعه اجتماع محور در محله مورد مطالعه از دو جنبه فرایند محوری و هدف محوری چگونه است؟ ۲- ارتباط فرایند محوری و هدف محوری رویکرد توسعه اجتماع مبنا و اهمیت آنها نسبت به هم در محله مورد مطالعه به چه صورت است؟

² UN-Habitat

³ United Nations Industrial Development Organization

ریشه های رویکرد توسعه اجتماع محور به تجارب پیشین صندوق توسعه بین المللی در آمریکا در سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ و صندوق های اجتماعی در سال ۱۹۸۰ برمی گردد (منصوری و راثو، ۲۰۱۲). و بانک جهانی آن را بطور وسیع از اوایل دهه ۱۹۹۰ بکار برد (انسینگمر، ۲۰۱۷: ۶۷). در زمینه برنامه ریزی اجتماع محور تحقیقات و پژوهش های متعددی در مراکز علمی و دانشگاهی دنیا انجام گرفته هر چند پژوهش ها در این زمینه در مراکز علمی و تحقیقاتی داخلی قابل توجه نمی باشد. محمدی و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهش خود با عنوان توسعه اجتماع محور (CDD): سازوکاری برای سازماندهی سکونتگاههای غیر رسمی با ذکر نمونه هایی از کشورهای مختلف توسعه اجتماع محور را به عنوان سازوکاری در جهت افزایش پایداری و اثربخشی اجتماعی برنامه های بهسازی شهری در سکونتگاههای غیر رسمی پیشنهاد می کنند. رلف (۱۹۷۶) در کتاب خود با عنوان مکان و حس لا مکانی، به روابط اولیه انسانی بین مردم و با خانه ها، محله ها، شهرها، زمین ها و کشورها اشاره می کند و ادعا می نماید که رویکردهای پوزیتیویستی به شهر یک مفهوم از خود بیگانه، انسان زدا و انتزاعی و یک حس لامکانی است (شورچه، ۱۳۹۵: ۱۷۴). جاکوبز (۱۹۶۱) در کتاب مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا اوج گرایش خود را به مسایل اجتماعی برای حل مشکلات شهری نشان می دهد چنانکه وی شبکه های اجتماعی فشرده در محدوده های قدیمی و بافت های تاریخی شهری و کاربریهای مختلط شهری صورتی از سرمایه اجتماعی را شکل می دهند و می توانند در برقراری پاکیزگی و امنیت شهری و بهبود کیفیت زندگی در ساختار شهری نقشی کارآمد را در عرصه های عمومی زندگی شهری داشته باشند (پور جعفر و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۶). آینی و اودیمی (۲۰۱۵) در پژوهشی تحت عنوان رویکرد توسعه اجتماع محور: تغییر پارادایم توسعه در کاهش فقر بیان می دارند که این رویکرد می تواند در برنامه ها و سیاستهای کاهش فقر مؤثر باشد. زینو محمود (۲۰۱۶) در پژوهش خود با عنوان بهبود کیفیت زندگی از طریق توسعه مشارکتی اجتماع محور در نیجریه، مدل اجتماع محوری را برای ارائه خدمات اجتماعی، ابتکاری ارزشمند می داند که باعث بهبود معنی دار کیفیت زندگی افراد می شود.

مبانی نظری

- اجتماع

اجتماع مفهومی چندبعدی و پیچیده است که پژوهشگران علمی رشته های مختلف برداشتهای متفاوتی از آن داشته اند. مفهوم اجتماع در اروپا ریشه در فرهنگ توتانیک و نظریه گمنشافت و گزلفافت تونیز دارد. اودر کار کلاسیک خود به دو نوع زندگی اجتماعی متضاد اشاره کرده است. تونیز گمنشافت یا اجتماع را به عنوان نوع ایده ال اجتماع می داند که در آن شیوه های زندگی ساده، خاندان گرایانه، صمیمی و خصوصی است و اعضا به واسطه سنت های مشترک و زبان مشترک به هم پیوند خوردند (صرافی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۶). هیلری (۱۹۵۵) معتقد است که اجتماع در برگیرنده افرادی در کنش متقابل اجتماعی در درون یک منطقه جغرافیایی است که

⁴ Mansuri and Rao

⁵ Ensminger

⁶ Ayeni.G.O & Odeyemi

⁷ Zayyanu Muhammad

یک یا چند پیوند اضافی دارند (Hillery, 1955:111). وارن^۸ در کتاب اجتماع در امریکا به پنج کارکرد اصلی اجتماع اشاره می نماید که عبارتند از:

۱- اجتماعی شدن ۲- ثروت اجتماعی ۳- مشارکت اجتماعی ۴- کنترل اجتماعی ۵- پشتیبانی و حمایت متقابل (وارن، ۱۹۶۳).

رویکرد توسعه اجتماع محور

بررسی تاریخ تحولات نظریات برنامه ریزی نشان می دهد که از اواخر دهه ۱۹۷۰ به بعد به جهت پیچیدگی های موجود در سیستم های شهری و چالش هایی که شهرها با آن مواجه هستند چرخشی آشکار به سوی رویکردهایی از پایین به بالا و اجتماع محور دیده می شود. مفهوم توسعه اجتماع مبنا بسط یافته مفهوم توسعه مردم محور است که در پاسخ به رهیافت توسعه ای که مبنای آن رشد اقتصادی است ظهور یافته است که باعث رفاه اجتماعی نمی شود بلکه بی عدالتی را بخصوص در کشورهای در حال توسعه گسترش می دهد (سیتروس^۹، ۲۰۱۷). در این رویکرد بر مشارکت اجتماع محلی در فرایند تصمیم سازی تأکید می شود (محمدی، ۱۳۸۷: ۹۲) که این مسأله خود باعث می گردد افراد خود را بیشتر درگیر کار جمعی نمایند و با افزایش تعاملات بین افراد شبکه های اجتماعی بهبود یافته و و رفتارها و هنجارهای اجتماعی ارتقاء می یابد (اودینکو و گیلیگان^{۱۰}، ۲۰۱۵) و نهایتاً باعث پایداری محیط شهری می گردد (بویلاکو^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۳). از دیدگاه سرمایه اجتماعی، برنامه اجتماع محور نوعی نگرش به توسعه از پایین است و از طریق سازمانهای غیردولتی قابل تحقق است که در این مورد بهره گیری از سرمایه اجتماعی در قالب محلات مورد توجه قرار می گیرد. باید افزود که بهره گیری از سرمایه اجتماعی به مثابه یکی از قابلیت های اجتماع محور در برنامه ریزی مورد توجه است. در حقیقت این سرمایه اجتماعی است که شکل گیری یک اجتماع محلی به مفهوم واقعی را تضمین می کند و مفهوم انسجام محلی را که به میزان و کیفیت تعامل و روابط اجتماعی و تقویت شبکه های اجتماعی در محله باز می گردد را شکل می دهد (ایراندوست، ۱۳۸۹: ۶۹). بطور کلی نگرش مبتنی بر اجتماع در توسعه شهری و برنامه ریزی می تواند باعث افزایش کنترل مردم بر زندگی و معیشت خودشان گردد و همچنین باعث افزایش مشارکت در تأمین خدمات عمومی می شود و نهایتاً باعث ارائه طرح ها و برنامه هایی می شود که با نیازها و شرایط محلی همخوانی بیشتری دارد (لی^{۱۲}، ۲۰۰۰: ۳). ریشه های مدرن این رویکرد بر نوشته های دانشمندان علوم اجتماعی مثل پاتنام، بوردیو و کلمن و همچنین برگزارش بانک جهانی توسعه قرار دارد (وانگ و گوگنهییم^{۱۳}، ۲۰۱۸). قلب رویکرد اجتماع محور رشد انسانی و توانمندسازی می باشد (موزمل و اسکاچر^{۱۴}، ۲۰۰۵). ویژگیهای مفهوم توسعه اجتماع محور عبارتند از:

۱- تأکید بر مکان به لحاظ نهادها، اجتماعات، محیط و فرهنگ

8 warren

9 Sitorus, Y. L. M

10 Avdeenko & Gilligan

11 Bevilacqua

12 Lee

13 Wong, S., & Guggenheim

14 Mozammel, M., & Schechter

۲- دلالت بر برنامه ریزی ترانزیت و انتقالی، توانمند سازی اجتماع، رهیافت از پایین به بالا و مشارکت دارد (سوله^{۱۵}، ۲۰۱۴).

برای داشتن رویکردی جامع به مفهوم توسعه اجتماع محور می توان آن را از دو نگاه متفاوت مورد واکاوی قرار داد که در ذیل به طور اختصار به هر کدام از آنها پرداخته می شود.

رویکرد هدف گرا به توسعه اجتماع محور

- ظرفیت سازی اجتماعی

امروزه اجتماعات محلی نقش مهم در تضمین و دستیابی مکانهای شهری در جهت دستیابی به ارتقاء کیفیت زندگی و زیست پذیر کردن آنها دارند. بطوری که برنامه ریزان توسعه شهری می توانند حساب ویژه ای را بر روی پتانسیل ها و توانایی افراد جامعه در جهت پیش بینی، تصمیم گیری های آگاهانه و جذب و مدیریت منابع باز نمایند.

- توانمندسازی روانی

کاربرد اصطلاح توانمند سازی در برنامه ریزی شهری، به دموکراسی و دخالت دادن شهروندان در تصمیم گیریهای مدیریت شهری تحت عناوین تیم سازی، مشارکت و کیفیت زندگی در اجتماع اطلاق می گردد (اسدی چالی، ۱۳۹۴: ۳۶) و زیر بنای آن، توسعه اجتماع محلی و بسیج قابلیت های درونزای اجتماع است در این پژوهش با توجه به اهمیت و تأثیرگذاری بعد روانشناختی و ارتباط و نزدیکی آن به توسعه اجتماع محور نسبت به دیگر ابعاد توانمندسازی همچون توانمندی اقتصادی؛ توانمندسازی روانی مورد تحلیل قرار می گیرد.

رویکرد فرایندگرا به توسعه اجتماع محور

- مشارکت اجتماعی

کمیسون اسکفینگتن در گزارش خود در سال ۱۹۶۹، برنامه ریزی را اینگونه تعریف می کند: برنامه ریزی حوزه ای است که نیازمند مشارکت است، زیرا مردم باید انتخاب کنند که چه جامعه ای می خواهند و چگونه می خواهند آن را توسعه دهند این امر بسیار اهمیت دارد که بدانیم می توانیم در جامعه خود تأثیرگذار باشیم. در نتیجه شهرهایی که ما در آن زندگی و کار می کنیم و می آساییم، در واقع منعکس کننده خواست ها و آرزوهای ما هستند (سیمپسون، ۱۹۹۷: ۹۱۳). مناسبترین الگوی مشارکت مردم در برنامه ریزی توانمندسازی مردم محلی است و بیش از همه از طریق ظرفیت سازی اجتماعی دست یافتنی است (رهنما و همکاران، ۱۳۹۶) و بنابراین توجه همزمان به این سه مقوله مهم در امر توسعه محله ای می تواند ما را در رسیدن به اهداف زیست پذیر نمودن محیط های سکونتی یاری رساند.

¹⁵ Soleh

داده و روش کار

روش پژوهش حاضر تحلیلی-توصیفی با هدف کاربردی است. برای گردآوری اطلاعات در ارتباط با موضوع مطالعه از دو روش کتابخانه ای و پیمایشی استفاده شده است. جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق کلیه افراد بالای ۱۸ سال در محله مورد مطالعه شهر ابرکوه (گلکاران) می باشد. برای ارزیابی مؤلفه های توسعه اجتماع محوری و سنجش ارتباط بین دو رویکرد حاکم بر آن، شاخص ها و گویه های مربوط به رویکرد فرایند محوری و همچنین جنبه های هدف گرایی در توسعه اجتماع محور تدوین گردید. حجم نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران برای پرسشگری مشخص شد تا بتوان یافته های پژوهش را به جامعه آماری تعمیم داد. در بخش تحلیل داده ها برای تدوین یک مدل عملیاتی در محله مورد مطالعه از مدل معادلات ساختاری در محیط نرم افزاری pls استفاده شد. این مدل روابط متقابل و برهم کنش متغیرها و میزان اثرگذاری و اثرپذیری از یکدیگر را مورد بررسی قرار می دهد. در صورتی که مقدار KMO کمتر از ۰/۵ باشد، داده ها برای معادلات ساختاری مناسب نخواهند بود و اگر مقدار آن بین ۰/۵ تا ۰/۶۹ باشد می توان با احتیاط بیشتر به معادلات ساختاری پرداخت. اما در صورتی که مقدار آن بزرگتر از ۰/۷ باشد، همبستگی بین داده ها برای تحلیل فرضیات مناسب خواهد بود. خروجی این آزمون در جدول (۲) قابل مشاهده است.

جدول (۲) اندازه گیری کفایت نمونه

آماره		آزمون
۰,۸۷۳	اندازه گیری کفایت نمونه	کایسر - میر - اولکین (KMO)
۳۸۳	درجه آزادی	
۰,۰۰۰	معناداری	

نتایج

بر اساس داده های مندرج در جدول (۳) مشخص است ۳۸۴ داده صحیح پیرامون متغیرهای تحقیق گردآوری شده است. میانگین نمرات متغیرها بین ۳/۵۷۱۰ و ۴/۷۸۶۰ بوده است که با عنایت به اینکه این میانگین نیز از نقطه برش طیف بیشتر است لذا ایراد خاصی ایجاد نمی کند. نتایج فوق نشان می دهد که همه میانگین های متغیرها بیشتر از نقطه برش طیف ۵ نقطه ای لیبرت (۲/۵) می باشد و پاسخگویان نسبت به سوالات تحقیق همسو با اهداف تحقیق جواب داده اند و داده ها با انحراف معیار متناسب اطراف میانگین پراکندگی دارند.

جدول (۳) آمار توصیفی متغیر های تحقیق

متغیرها	تعداد	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار
مشارکت اجتماعی	۳۸۴	۲	۵	۴/۷۸۶۰	۰,۸۷۴۷
توسعه اجتماع مینا	۳۸۴	۲	۵	۳/۵۷۱۰	۰,۷۹۹۶۲
توانمند سازی روانی	۳۸۴	۴	۵	۴/۳۲۲	۰,۹۳۴۸
ظرفیت سازی اجتماعی	۳۸۴	۳	۵	۳/۸۹۳	۰,۷۸۳۳

-بررسی پیش فرضهای انجام تحلیل داده ها به روش معادلات ساختاری به هنگام انجام تحلیل با روش معادلات ساختاری می‌بایست پراکندگی داده ها، همگن بودن متغیرها و همچنین هم پوشانی آنها مورد بررسی قرار بگیرد که بشرح ذیل همه آنها بررسی می شود.

بررسی پراکندگی داده ها

نرمال بودن توزیع داده ها باید از طریق محاسبه چولگی و کشیدگی بررسی شود تا میزان دوری پراکندگی داده ها از توزیع نرمال مشخص شود هرچند توزیع نرمال داده‌ها در روش حداقل مربعات جزئی شرط اساسی نیست. بررسی جدول (۴) نشان می‌دهد که توزیع داده های همه متغیرهای تحقیق نرمال می‌باشد چون میزان چولگی و کشیدگی ما بین (۱ و -۱) می‌باشد.

جدول (۴) آزمون نرمال بودن توزیع داده ها برای متغیرهای تحقیق

متغیرها	پراکندگی ^{۱۷}	کشیدگی ^{۱۶}
مشارکت اجتماعی	۰,۶۶۳	-۰,۴۰۸
توسعه اجتماع مینا	۰,۲۱۵	-۰,۴۱۴
توانمند سازی روانی	-۰,۵۷۴	۰,۹۳۴
ظرفیت سازی اجتماعی	-۰,۵۵۷	۰,۴۶۴

-بررسی همگنی و بررسی هم خطی چند گانه متغیرها

یکی دیگر از پیش فرضهای انجام تحلیل به روش معادلات ساختاری بررسی همگنی واریانسها در خصوص متغیرهای تحقیق می باشد که با استفاده از آزمون لوین انجام می گیرد. با توجه به سطح معناداری جدول(۵) که از ۰/۰۵ بیشتر است، می توان ادعا کرد که متغیرهای تحقیق همگن هستند .

جدول (۵) آزمون لوین برای بررسی همگنی متغیرهای تحقیق

متغیر	آزمون لوین	سطح معناداری
مشارکت اجتماعی	۰/۱۶۱	۰/۱۱۱
توسعه اجتماع مینا	۰/۲۳۴	۰/۱۲۱
توانمند سازی روانی	۰/۹۴۱	۰/۲۰۰
ظرفیت سازی اجتماعی	۰/۶۳۸	۰/۲۱۱

^{۱۶}Kurtosis

^{۱۷}Skewness

بررسی روایی واگرا (تشخیصی) برای متغیرهای تحقیق

یکی از روشهای سنجش این روایی آزمون فورنل- لاکر است. جدول (۶) نشان می‌دهد که سازه‌ها کاملاً از هم جدا می‌باشند یعنی مقادیر قطر اصلی برای هر متغیر پنهان از همبستگی آن متغیر با سایر متغیرهای پنهان انعکاسی موجود در مدل بیشتر است.

جدول (۶) شاخص فورنل لاکر جهت بررسی شاخص روایی تشخیصی یا واگرا

ردیف	متغیرها	۱	۲	۳	۴
۱	مشارکت اجتماعی	۱			
۲	توسعه اجتماع مبنا	۰/۵۲۷	۱		
۳	توانمند سازی روانی	۰/۶۴۷	۰/۷۷۲	۱	
۴	ظرفیت سازی اجتماعی	۰/۵۵۱	۰/۸۶۰	۰/۷۶۶	۱

بررسی مدل اندازه گیری (برای گوپه های انعکاسی)

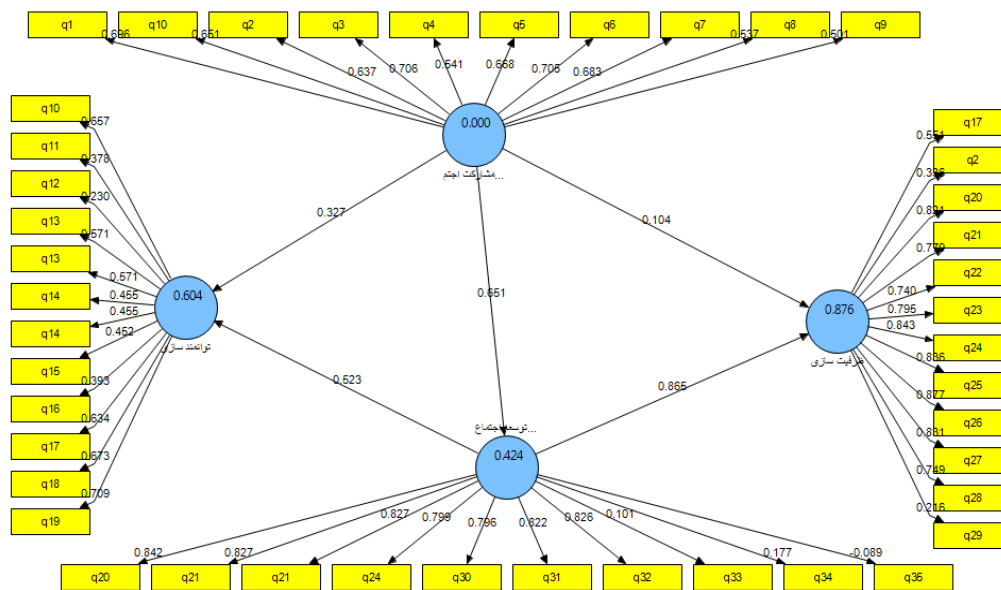
در مدل‌هایی که دارای گوپه های انعکاسی هستند، ابتدا محاسبه بار عاملی گوپه‌ها سپس محاسبه شاخص متوسط میانگین واریانس استخراج شده (AVE)^{۱۸} و پایایی ترکیبی (CR^{۱۹}) که به ترتیب برای اندازه‌گیری روایی (اعتبار) و پایایی (اعتماد) متغیرهای تحقیق بکار برده می‌شود برای ارزیابی مدل اندازه‌گیری لازم و ضروری هستند. نتایج حاصل برای ارزیابی مدل اندازه‌گیری (بار عاملی، شاخص‌های روایی و پایایی) در جدول (۷) آورده شده است.

جدول (۷) مقادیر بارهای عاملی استاندارد شده و شاخص‌های روایی و پایایی متغیرها

متغیر	گوپه‌ها	بار عاملی	پایایی ترکیبی	متوسط واریانس استخراج شده
ظرفیت سازی	گوپه ۱	۰.۷۳۲۷	۰.۸۹۵۴	۰.۵۸۸۲
	گوپه ۲	۰.۷۵۰۲		
	گوپه ۳	۰.۸۱۴۸		
	گوپه ۴	۰.۶۹۷۳		
	گوپه ۵	۰.۷۰۹۴		
	گوپه ۶	۰.۶۴۸۲		
	گوپه ۷	۰.۷۲۰۲		
	گوپه ۸	۰.۶۶۴۷		
	گوپه ۹	۰.۶۹۲۴		
	گوپه ۱۰	۰.۷۶۵۲		

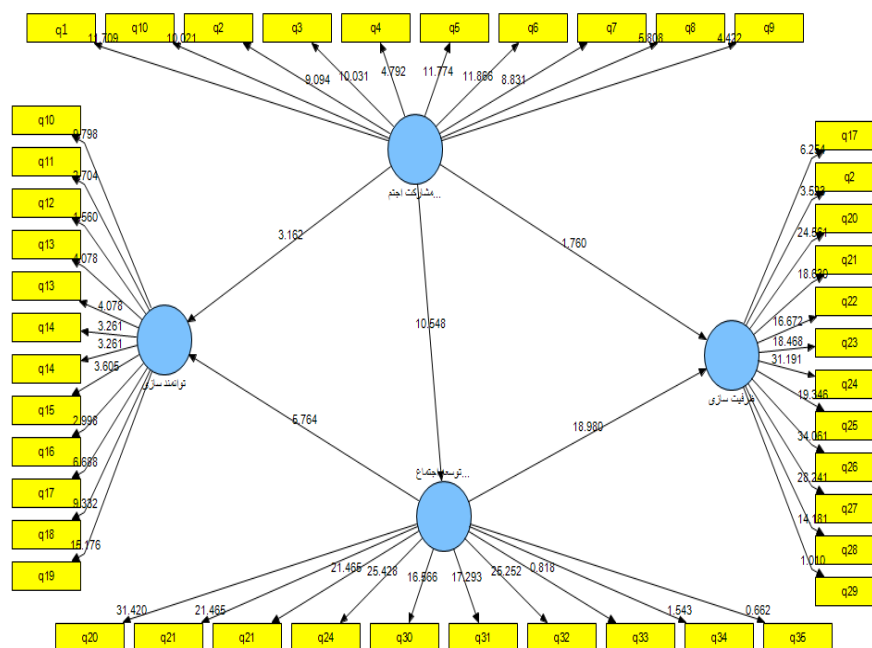
		۰.۸۱۳۳	گویه ۱۱	
		۰.۷۲۶۲	گویه ۱۲	
		۰.۷۵۴۴	گویه ۱۳	
		۰.۸۱۹۲	گویه ۱۴	
		۰.۷۹۳۱	گویه ۱۵	
		۰.۷۵۲۰	گویه ۱۶	
		۰.۷۵۳۰	گویه ۱۷	
		۰.۵۸۵۳	گویه ۱۸	
		۰.۹۱۰۴	گویه ۱۹	
		۰.۸۹۷۹	گویه ۲۰	
		۰.۸۲۴۹	گویه ۲۱	
		۰.۸۴۱۷	گویه ۲۲	
		۰.۷۸۵۴	گویه ۲۳	
		۰.۷۸۹۱	گویه ۲۴	
		۰.۸۹۳۲	گویه ۲۵	
		۰.۷۸۵۴	گویه ۲۶	
		۰.۸۷۳۲	گویه ۲۷	
		۰.۷۱۳۳	گویه ۲۸	
		۰.۸۹۴۳	گویه ۲۹	
۰.۶۷۴۵	۰.۸۹۳۲	۰.۸۷۴۴	گویه ۳۰	مشارکت
		۰.۸۷۵۵	گویه ۳۱	
		۰.۷۸۵۴	گویه ۳۲	
		۰.۷۹۳۲	گویه ۳۳	
		۰.۸۹۴۳	گویه ۳۴	
		۰.۷۸۵۴	گویه ۳۵	
		۰.۸۷۵۴	گویه ۳۶	
		۰.۷۸۴۳	گویه ۳۷	
		۰.۷۸۵۴	گویه ۳۸	
		۰.۷۵۵۴	گویه ۳۹	
		۰.۷۸۳۴	گویه ۴۰	
		۰.۷۹۳۲	گویه ۴۱	
۰.۶۰۰۲	۰.۷۸۱۱	۰.۷۱۱۰	گویه ۴۲	توانمند سازی روانی
		۰.۸۰۱۲	گویه ۴۳	
		۰.۷۸۴۳	گویه ۴۴	
		۰.۷۰۹۴	گویه ۴۵	
		۰.۷۶۵۴	گویه ۴۶	
		۰.۷۹۵۴	گویه ۴۷	
		۰.۷۶۶۳	گویه ۴۸	

رابطه متغیرهای مورد بررسی در هر یک از فرضیه‌های تحقیق بر اساس یک ساختار علی با تکنیک معادلات ساختاری آزمون شده است. در مدل کلی تحقیق که در شکل (۲) ترسیم شده است مدل اندازه‌گیری (رابطه هریک از متغیرهای قابل مشاهده به متغیر پنهان) و مدل مسیر (روابط متغیرهای پنهان با یکدیگر) محاسبه شده است. برای سنجش معناداری روابط نیز آماره t با تکنیک بوت استراپینگ محاسبه شده است که در شکل (۳) ارائه شده است. آزمون فرضیات تحقیق بر اساس روابط هریک از متغیرها نیز ارائه شده است.



شکل (۲) مدل در حالت استاندارد

زمانی که همبستگی متغیرها شناسائی گردید باید آزمون معناداری صورت گیرد. جهت بررسی معنادار بودن رابطه بین متغیرها از آماره آزمون t یا همان t -value استفاده می‌شود. چون معناداری در سطح خطای ۰/۰۵ بررسی می‌شود بنابراین اگر میزان بارهای عاملی مشاهده شده با آزمون t -value از ۱/۹۶ کوچک‌تر محاسبه شود، رابطه معنادار نیست. همانطور که در شکل (۳) مشخص است کلیه مقادیر t بیشتر از ۱,۹۶ بوده بنابراین رابطه بین متغیرهای مورد بررسی معنادار است.



شکل (۳) مدل در حالت معناداری

-برازش مدل

در جدول (۸) آماره های مربوط به نیکویی برازش مدل ارائه شده است. برازش مدل یعنی چقدر یک مدل نظری با یک مدل تجربی سازگاری دارد. برای نشان دادن اینکه مدل ترسیم شده بر مبنای چارچوب نظری و پیشینه تجربی پژوهش تا چه اندازه با داده های گردآوری شده در این پژوهش انطباق دارد از شاخص های نیکویی برازش استفاده می شود، بدین صورت که هر چه مقدار آن شاخص ها متناسب باشد نشانگر حمایت قوی تر داده ها از مدل نظری تفسیر خواهد شد.

جدول (۸) آماره های مربوط به نیکویی برازش مدل

شاخص های برازش	استاندارد شاخص	مقادیر بدست آمده	نتیجه برازش مدل
تقسیم کای-مربع بر درجه آزادی	$X \leq 3$	۲/۴	برازش خوب
ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	$X \leq 0.08$	۰/۰۶	برازش خوب
شاخص نیکویی برازش	$X \geq 0.9$	۰/۹۳	برازش خوب
شاخص نیکویی برازش تعدیل شده	$X \geq 0.9$	۰/۹۱	برازش خوب
شاخص برازش مقایسه ای	$X \geq 0.9$	۰/۹۱	برازش خوب
شاخص برازش افزایشی	$X \geq 0.9$	۰/۹۲	برازش خوب
شاخص برازش نرم	$X \geq 0.9$	۰/۹۰	برازش خوب
شاخص برازش غیر نرم	$X \geq 0.9$	۰/۹۳	برازش خوب
ضریب تعیین	≥ 0.67	۰/۷۶	برازش خوب

شاخص‌های نیکویی برازش شامل: AGFI, GFI و RMSEA نشان می‌دهند که نتایج مدل قابل اعتماد است. شاخص‌های GFI و AGFI، هر دو بیش‌تر از حد مورد نظر برآورد شده‌اند که این آماره بزرگتر از حد ملاک ۰/۹۰ بوده است. همچنین، نسبت مربع کای به درجه آزادی (X^2/df) مقدار مناسبی را نشان داده است. همچنین معیار خطای RMSEA نیز برابر با ۰/۰۶ برآورد شده که این مقدار کوچکتر از حد مجاز ۰/۰۸ بوده است. بر اساس برآوردهای ارائه شده می‌توان نتیجه گرفت که مدل تست شده در جامعه مورد نظر از برازش نسبتاً خوب و قابل قبولی برخوردار بوده است.

پس از بررسی برازش بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل، برازش کلی مدل از طریق معیار GOF که شاخصی برای بررسی برازش مدل جهت پیش‌بینی متغیرهای درون‌زا می‌باشد، استفاده می‌شود. که مقدار آن بین صفر تا یک قرار دارد. و مقادیر نزدیک به یک نشانگر کیفیت مناسب مدل هستند. و توانایی پیش‌بینی کلی مدل را مورد بررسی قرار می‌دهد. و مدل آزمون شده پیش‌بینی متغیرهای مکنون درون‌زا را دارد. این معیار از طریق رابطه (۱) محاسبه می‌شود:

رابطه (۱).

$$Gof = \sqrt{\text{communalities} \times R^2} =$$

به طوری که Communalities نشانه میانگین مقادیر اشتراکی هر سازه هست و R^2 نیز مقدار میانگین مقادیر کاری مربع R سازه‌های درونزای مدل است. بر اساس جدول ۸ مقادیر ضریب تعیین R^2 به دست آمده است. همچنین مقدار اشتراکی برابر است با ۰,۷۶ و با توجه به سه مقدار ۰,۰۱، ۰,۲۵ و ۰,۳۶ که به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی شده است، حاصل شدن مقدار ۰,۶۵ برای GOF نشان از برازش قوی کلی مدل پژوهش دارد. از آنجایی که مقدار محاسبه شده GOF بزرگتر از ۰,۳۶ بدست آمده، نشان از برازش مناسب مدل پژوهش دارد.

نتیجه‌گیری

توسعه اجتماع محور بر پایه مداخله و مشارکت اجتماع محلی استوار است که در پی بهره‌گیری از سرمایه‌ها و دانش اجتماع محلی به منظور بهره‌مند شده از راه‌حل‌هایی از درون این اجتماعات است که نهایتاً به توسعه پایدار می‌انجامد و توسعه محله‌ای فرآیندی است مبتنی بر مشارکت داوطلبانه و خودیارانه در میان ساکنان یک محله در جهت بهبود شرایط اجتماعی فرهنگی، کالبدی و اقتصادی. بررسی‌ها نشان می‌دهد، ابعاد اجتماعی در بیشتر رویکردهای توسعه‌ای از وزن بیشتری برخوردار می‌باشد اهمیت عامل اجتماعی به عنوان عاملی جهت توسعه محله‌ای تا جایی است که صاحب‌نظران، توسعه محله‌ای را بدون عامل اجتماعی-فرهنگی، غیر ممکن می‌دانند. بنابراین در این پژوهش، با استفاده از رویکرد توسعه اجتماع محور و مؤلفه‌های ذاتی آن می‌توان نارسایی‌های توسعه را در سطح محله گلکاران برطرف نمود. بررسی وضعیت محله گلکاران در شهر ابرکوه نشان می‌دهد که این محله به دلیل ضعف ساختار اقتصادی، اجتماعی و کالبدی شرایط چندان مطلوبی را از نظر توسعه محله‌ای تجربه نمی‌کند. که با استناد به نتیجه بدست آمده از مدل معادلات

ساختاری می توان بیان داشت که ظرفیت سازی اجتماعی، توانمند سازی اجتماعی و مشارکت اجتماعی بر روی توسعه اجتماع محور تاثیر گذار هستند. چرا که مقدار آماره T بدست آمده برای تاثیر مشارکت اجتماعی بر ظرفیت سازی برابر با ۲/۴۵ و برای توانمندسازی برابر با ۳/۱۶۲ و برای تاثیر مشارکت بر روی توسعه اجتماعی برابر با ۱۰/۵۴۸ است، به گونه ای که این مقادیر بزرگ تر از عدد ۱/۹۶ و معناداری تایید می شود. همچنین ضریب مسیر بدست آمده برای تاثیر مشارکت اجتماعی بر ظرفیت سازی برابر با مثبت ۰/۱۰۴ و برای تاثیر مشارکت اجتماعی بر توانمندسازی برابر با مثبت ۰/۳۲۷ و برای تاثیر مشارکت بر روی توسعه اجتماعی برابر با ۰/۶۵۱ است. با توجه به مقدار ضریب مسیر بدست آمده تاثیر مشارکت اجتماعی بر توسعه اجتماعی بیشتر از ظرفیت سازی و توانمندسازی است.

در ارتباط با تاثیر توسعه اجتماع محور بر توانمندسازی و ظرفیت سازی، نتایج حاکی از تاثیر مثبت و معنادار توسعه اجتماع محور بر توانمندسازی و ظرفیت سازی است چرا که مقدار آماره T بدست آمده برای تاثیر توسعه اجتماعی بر توانمندسازی برابر با ۵/۷۶۴ و برای تاثیر توسعه اجتماع محور بر ظرفیت سازی برابر با ۱۸/۸۹۰ است که این مقادیر بیشتر از مقدار حد بحرانی یعنی عدد ۱/۹۶ است. همچنین مقدار ضریب مسیر بدست آمده برای تاثیر توسعه اجتماع محور بر توانمندسازی برابر با ۰/۵۲۳ و برای تاثیر توسعه اجتماع محور بر ظرفیت سازی برابر با ۰/۸۶۵ است. لذا با توجه به تأکید روزافزون رویه و عمل برنامه ریزی در سطح بین المللی به توسعه اجتماعات محلی به منظور کاهش فقر، در نظام برنامه ریزی کشور، نه تنها به توسعه اجتماعات محلی توجهی نشده است، بلکه برنامه ریزان و تصمیم سازان نیز درباره نوع و ویژگی های محلاتی که علاقه بیشتری در توسعه فعالیت های اجتماع محور دارند، اطلاعات کمتری دارند. بنابراین، می توان بیان کرد که مشارکت اهالی محله مورد پژوهش در گذشته در امور مرتبط با محیط سکونت آن ها، نوعی توانمندسازی آنها در قالب یک مهارت به منظور بر عهده گرفتن مسئولیت بیشتر بوده که این امر، زمینه ای برای تقویت حیات اجتماعی و تقویت عملکردهای محله ای بوده است؛ اما به دلیل مشکلات ناشی از توسعه فیزیکی شهر ابرکوه در چهل سال اخیر و در پی آن مهاجرت ساکنان بومی از محله تاریخی گلگاران و فرسایش تعاملات قوی اجتماعی گذشته و حس همبستگی آن زمان، برای رسیدن به نقطه مطلوب توسعه محله ای و نهایتا پایداری و زیست پذیری آن توجه به موارد ذیل الزامی است:

- مشارکت دادن تمام ذینفعان شهری در فرایند تصمیم سازی و تصمیم گیریها در جهت توسعه محله ای
- ایجاد نهادهای مردمی و قانونی و بکارگیری دانش محلی در راستای حل مشکلات محله
- ظرفیت سازی و توانمند سازی مدیران شهری در راستای ایجاد مدیریتی شفاف، پاسخگو، مسوول و کارآمد
- آموزش افراد محله به منظور زمینه سازی برای مشارکت در امر توسعه اجتماع محور به جای توسعه پروژه محور
- ارتقاء فرهنگ شهروندی و تبیین مفهوم حق به شهر برای افراد محله در جهت آگاهی به حقوق و تکالیف خود
- ایجاد حکمروایی اجتماع محله ای با استفاده از ظرفیتهای و تخصص های موجود محله
- بکار گیری مستمر فضاهای عمومی در سطح محله در جهت تقویت سرمایه اجتماعی و تسهیم دانش و مشارکت پذیری افراد محله

منابع

- ایراندوست، کیومرث (۱۳۸۹) مرور کوتاه تجربه توانمندسازی سکونتگاه غیر رسمی کرمانشاه، فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره ۲۰، صص ۶۰-۷۳
- پورجعفر، محمد رضا و همکاران (۱۳۸۸)، طراحی شهری و سرمایه اجتماعی در فضاهای شهری، تهران: انتشارات هله.
- تقوایی و همکاران (۱۳۹۳)، سنجش و بررسی کیفیت زندگی ذهنی بر اساس ادراک ساکنان (نمونه موردی محله هاشمی در منطقه ۱۰ تهران)، نشریه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، ۱۸ (۵۰)، ۳۴-۷۱.
- توکلی نیا، جمیله و دیگران (۱۳۹۴)، تحلیل سرمایه اجتماعی با تاکید بر مشارکت شهروندی و پاسخ گویی مدیران شهری مورد پژوهی: شهر اسلامشهر، نشریه آمایش محیط، ۸ (۳۰)، ۱۳۷-۱۵۲.
- رهنما و همکاران (۱۳۹۶)، تحلیل عوامل مؤثر بر پیشبرد فرهنگ مشارکت محلی در برنامه ریزی توسعه گردشگری (مطالعه موردی، منطقه آزاد ماکو)، نشریه جغرافیا و برنامه ریزی، ۲۱ (۲۲)، ۶۷-۹۵.
- جیکوبز، جین (۱۹۶۱)، مرگ و زندگی شهرهای بزرگ امریکایی، ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- شارع پور، محمود (۱۳۸۸)، فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن، نامه انجمن جامعه شناسی تهران، نشر کلمه.
- شورچه، محمود (۱۳۹۵)، دیدگاههای نو در سیستم های شهری، تهران: انتشارات پرهام نقش
- صرافی، مظفر و همکاران (۱۳۹۳)، اندیشه های نو در برنامه ریزی شهری، تهران: انتشارات قدیانی
- عظیمی، مسعود (۱۳۷۵)، بررسی ساختار اجتماعی، اقتصادی روستایی به منظور کاربرد در برنامه ریزی و توسعه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان
- محمدی، علیرضا و همکاران (۱۳۸۷)، توسعه اجتماع - محورسازوکاری برای ساماندهی سکونتگاههای غیررسمی، مجله هفت شهر، ۱۷ (۲۲)، ۵۰-۶۴.
- Anietem, O. V., & Abiodun, A. L. (2015). **Community driven development (CDD) and rural poverty alleviation in Nigeria: A Bottom-Up Development Approach. In International Conference on Trends in Economics, Humanities and Management (ICTEHM'15) Marc** (pp. 27-28).
- Arefi, M. (2004). **An asset-based approach to policymaking: revisiting the history of urban planning and neighborhood change in Cincinnati's West End.** *Cities*, 21(6), 491-500.
- Avdeenko, A., & Gilligan, M. J. (2015). **International interventions to build social capital: evidence from a field experiment in Sudan.** *American Political Science Review*, 109(3), 427-449.
- Ayeni, G. O., & Odeyemi, C. A. (2015). **Community-Driven Development Approach: A development paradigm shift in poverty reduction programme.** *International Journal of Innovative Research and Advanced studies (IJIRAS)*. ISSN, 2394-4404.
- Bevilacqua, C., Calabrò, J., and Maione, C., 2013, **The Role of Community in Urban Regeneration: Mixed Use Areas Approach in USA**, Proceedings REAL CORP 2013 Tagungsband, 20-23 May 2013, Rome, Italy.
- Binswanger-Mkhize, H. P., & de Regt, J. P. (Eds.). (2010). **Local and community driven development: Moving to scale in theory and practice.** The World Bank.
- Ensminger, J. (2017). **Corruption in community-driven development. A Kenyan case study with insights from Indonesia.** U4 Issue.

- Habitat, U. N. (2016). **Urbanization and development emerging futures**. World cities report, 3(4), 4-51.
- Hillery .G. (1955), Definitions of Community: area of agreement, rural sociology 20:111-23.
- Mansuri, G., and V. Rao. 2012. **Localizing development: Does participation work?** Washington, DC: World Bank.
- Mozammel, M., & Schechter, G. (2005). **Strategic communication for community-driven development**.
- Simpson, Brian (1997) **Towards the Participation of Children and Young People in Urban Planning and Design**, Urban Studies Journal, Volume 34, 907-925.
- Sitorus, Y. L. M. (2017). **Community Driven Development In Traditional Communities In Papua**. Journal of Regional and City Planning, 28(1), 16-31.
- Soleh, C. (2014) **Dialectical Pembangunan dengan Pemberdayaan**. Bandung: Fokusmedia.
- United Nations Industrial Development Organization, 2018. **Sustainable cities: Hubs of innovation, jobs, industrialization and climate action**. UNIDO, Vienna, Austria.